

آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

( عده قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد

آقای دست غیب قرائت می شود

( مجدداً بشرح فوق قرائت شد )

رئیس - آقای دست غیب

( اجازه )

دست غیب - مطلب اینجا دو طرف

پیدا کرده یک طرف این است که میگویند

باید شیاع داشته باشد بعضی دیگر می

گویند بایستی شهرت داشته باشد . این

که بنده پیشنهاد کردم برای این است که

شیاع از شهرت فوق داده شود یک چیزی

است که می شود تکذیب کرد . اما شباهت را

نی شود تکذیب کرد . که اینگونه علماء

در مسئله رؤیت هلال مناط رویت هلال قرار

می دهند چون شیاع را اینطور معنی می

کنند که یک چیزی است که نشود آنرا

تکذیب کرد لیکن شهرت را می شود -

تکذیب کرد اما این که فساد عقیده را

نی شود بمعرفیت و شهرت تشخیص داد

باین جهت است کرب مشهور لا اصل له

ای بسا چیزهایی که مشهور است و اصلی

ندارد و چون اصل ندارد شهرت است نه

شیاع نه شرع او را حکم کرده است و نه عرف

و نه قانون مملکتی می تواند او را حجت قرار دهد

اگر چه شاهزاده مثلی زند و بدزد تشبیه کردند

اینجا اشتباه فرمودند دزد با فساد عقیده

فوق می کند مثلاً کسی عقیده اش فاسد

است و بدرجه شیاع هم رسیده است این

را نمی شود تکذیب کرد مثل هم داریم

ولی چون نبایستی اسم اشخاص برده

شود این است که می گویم چقدر اشخاص

هستند که فساد عقیده شان بشیاع رسیده است

و اگر فی الواقع عقیده شان هم فاسد نباشد

شرع اجازه داده است آنها را فساد عقیده

معکوم کنند زیرا طوری دردها آنها

افزاده که انسان دیگر نمی تواند تکذیب کند

اما مسئله شهرت همانطور که تاریخ هم

بما نشان می دهد چه بسا اشخاصی که فساد

عقیده شهرت پیدا کرده اند و این طور

نیزه است مثلاً ممکن است یک شخصی در

شیراز فساد عقیده معروف باشد ولی در

طهران بحسن عقیده معروف باشد . یا

در تهران فساد عقیده معروف باشد و در

شیراز بحسن عقیده . پس نمی شود بمحض

معروف بودن فساد عقیده حکم کرد و او

را از حقوق مدنی محروم نمود . زیرا ما

مردم اخلاقی داریم که اغلب بر روی اغراض

شخصی کار می کنیم از اینجهت بشهرت

چندان مدخلیت ندارد و بعلاوه ولا تقولو

لن القی الیکم السلام لت مؤمننا . البته هر

کس که گفت من مسلمان هستم باید قبول

کرد مگر این که شیاع بقساد عقیده

داشته باشد . پس شهرت و معرفیت در

اینجا مورد ندارد و همان شیاع لازم است

اما اگر لفظ معکومیت را بنویسیم البته بعضی آقایان هم عقیده شان این است که مجا که مذهبی مشکل است و یک قاضی که رای حکمت و قضیت بدهند نداریم

( بطور همه از طرف بعضی

نمایندگان اینطور نیست داریم )

دست غیب - خواهش می کنم

اجازه بفرمائید فرض بنده از این که

گفتم نداریم این نیست که مجتهد نداریم

می گویم لفظ حکمت و قضیت در باب فساد

عقیده کمتر گفته شده است از این جهت

بنده عقیده ام این است که بمجرد شهرت و

معروفیت نمی شود قبول کرد از این جهت

باید شیاع نوشته شود .

مخبر - شیاع در نزد کی باید حجت

باشد در نزد وزیر یا رئیس اداره معنی ندارد

پس مقصود آقای شیاع در نزد حاکم است در

صورتی که حاکم بشیاع اعتبار بدهد او

را محکوم می کند و اگر اعتبار ندهد قبول

نمی کند پس لفظ شیاع را نمی شود قبول

کرد .

رئیس - رای می گیریم بقابل

توجه بودن اصلاح آقای دست غیب آقایانی

که اصلاح ایشان را قابل توجه می دانند

قیام نمایند .

( عده قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد

های راجع بقره پنجم قرائت می شود

( ۳ فقره پیشنهاد بمضمون ذیل

فرائت شد )

مقام منبع ریاست محترم مجلس -

فقره پنجم از ماده دوم را بشرح ذیل پیشنهاد

می نمایم . داشتن معلومات برای انجام شغلی

که با رجوع می شود و ارتقاء رتبه آن

منوط بداشتن تصدیق نامه سال سوم تحصیلات

متوسطه یادادن امتحان موادیکه برای ۳

سال تحصیلات متوسطه معین شده است .

اقبال السلطان بنده پیشنهاد می کنم جزء

پنجم از ماده دوم اینطور نوشته شود کامل

کردن دوره ابتدای با دادن امتحان

که برای دوره ابتدای معین

شده است . دست غیب پیشنهاد

می کنم جزو پنجم اینطور نوشته شود داشتن

تصدیق نامه ابتدای یا دادن امتحان موادی

که برای شش ساله ابتدای معین شده است

وکیل الملک

رئیس - پیشنهاد آقای اقبال السلطان

مطرح است ( خطاب با اقبال السلطان )

بفرمائید

اقبال السلطان - در این قسمت پنجم

دو نظر است یکی نظر بترویج معارف و یک

نظر دیگر راجع بآن اشخاصی که امروز

می توانند در اداره یک شغلی را قبول کنند

در صورتی که تصدیق نامه ندارند یا امتحان

نمی توانند بدهند فرض می کنیم یک منشی

هست که مواد انشاء او خیلی خوب است

و در يك اداره او را بسمت استخدام قبول می کنند اگر بخواهیم این شرط را برای او قرار بدهیم که تصدیق نامه سه ساله متوسطه داشته باشد یا مطابق مواد آن امتحان بدهند آنوقت این قبیل اشخاص را از خدمت

محروم کرده ایم پس باید نظریه اتخاذ

کرد که ملاحظه هر دو طرف شده باشد

نظریه بنده این است اشخاصی که میخواهند

داخل يك خدمتی بشوند باید برای آنکاری

که بآنها رجوع می شود دارای همان

معلومات باشند مثلاً اگر می خواهد منشی

شود باید همان معلومات منشی گری را

داشته باشد یعنی خط خوب و انشاء خوب

داشته باشد و از آنطرف برای اینکه

ترویج معارف هم شده باشد بایستی قید

کرد که این قبیل اشخاص بمقام عالی تری

در اداره نمیرسند مگر اینکه تصدیق نامه سه

ساله متوسطه را دارا باشند

مخبر - برای ما يك اشتباهی پیدا

شده است این يك شرایط عمومی است

یعنی مستخدمین بایستی این شرایط را دارا

باشند مثلاً اگر کسی خط خوبی داشته باشد

ولی سواد نداشته باشد باید برود تحصیل

کند زیرا خط خوب تنها کافی نیست فردا

می گویند فلان چیز را بنویس غلط می نویسد

ماده سوم هم معین کرده است که هر وقت

بخواهند از مقامی بمقام بالا تری بروند

بایستی امتحان بدهند اگر از عهده امتحان

بر آمدن مقام را اشغال می کند والا در

همان مقام باقی میماند

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه

بودن اصلاح آقای اقبال السلطان آقایانی

که اصلاح ایشان را قابل توجه میدانند قیام

نمایند

( عده قیام نمودند )

رئیس - تصویب نشد . پیشنهاد

آقای دست غیب مجدداً قرائت میشود

( بشرح فوق قرائت شد )

رئیس - آقای دست غیب

( اجازه )

دست غیب - بنده فکر کردم و یک

حد ثبائینی میان این دو عقیده که تحصیلات

سه ساله متوسطه را دارا باشند یا اینکه بی

سواد صرف باشند پیدا کردم و پیشنهاد

کردم که دارای تصدیق نامه ابتدای باشند

آقای تدین اسم لا مرکزیت بردند و شاید

سوه تفاهم یا سوه تسایع برای ایشان

حاصل شده بود که مریض من با اشخاصی

را که با بنده موافقت کردند یا بنده با آنها

موافقت کردم باین طور تعمیر فرمودند خیر

اینطور نیست . حرف در این است که منافع

این فقط نباید صرف طهران بشود سایر

ایالات و ولایات هم ذینفع هستند اهالی آنها

هم بایستی در ادارات دولتی مستخدم بشوند

اینکه آقای تدین فرمودند مدرسه متوسطه

در همه جا هست بنده عرض می کنم که فقط

در طهران است و در جاهای دیگر نیست پس همانطور که عرض کردم باید شخصی که می خواهد داخل در خدمت دولتی بشود باید تصدیق نامه ابتدای درست داشته باشد

و اینکه گفته اند بایستی تصدیق سه ساله

متوسطه را داشته باشند بنده عرض می کنم

در جاهای دیگر غیر از طهران مدرسه متوسطه

نیست در فارس مدرسه متوسطه نیست که

بتوانند در آنجا تحصیل کنند بنا بر این

عقیده بنده همان است که عرض کردم

رئیس - رای می گیریم بقابل توجه

بودن اصلاح آقای دست غیب آقایانی که

اصلاح ایشان را قابل توجه می دانند قیام

نمایند

( عده قیام نمودند )

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد

آقای وکیل الملک

( بمضمون فوق قرائت شد )

رئیس - آقای وکیل الملک

( اجازه )

وکیل الملک - اگر چه مطالبی که

بنده می خواهم عرض کنم يك قسمت آنرا

آقای دست غیب فرمودند

رئیس . این پیشنهاد مضمونش همان

است که شد رای می گیریم بماده دوم با

حذف جزو دوم از فقره دوم آقایانی که

ماده دوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

( اغلب قیام نمودند )

رئیس - تصویب شد . بقیه مذاکرات

می ماند رای فردا دو ساعت بقروب

کمیسیونها را هم که انتخاب فرموده اید

باید انتخاب بفرمائید

مجلس دو ساعت ونیم از شب گذشته

ختم شد

رئیس مجلس . مؤتمن الملک

جلسه ۱۵۸

صورت، مشروح مجلس

یوم یکشنبه هشتم ربیع الاول

سنه ۱۳۴۰ مطابق ششم عقرب

۱۳۰۱

مجلس يك ساعت قبل از غروب ریاست

آقا مؤتمن الملک تشکیل گردید

( صورت مجلس یوم قبل را آقای امیر

ناصر قرائت نمودند )

رئیس . آقای شیخ العرافین زاده

( اجازه )

شیخ العرافین زاده . بنده دیروز

بواسطه عارضه کسالت نتوانستم حاضر شوم

و بمقام ریاست هم عرض کرده بودم

رئیس - اصلاح می شود . آقای

سادات .

( اجازه )

آقای سید محمد رضای

سادات . بنده می بینم کلمه کازرون مکرر

کازران گفته می شود در صورتی که کازران

غلط و کازرون صحیح است

رئیس . اصلاح می شود . دیگر ایرادی نیست ؟ قانون استخدام از ماده سوم مطرح است .

ماده سوم - علاوه بر شرایط مندرجه در ماده ( ۲ ) داوطلبان خدمت رسمی در ادارات هر وزارتخانه باید معلومات لازم و شرایط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوطه را دارا باشند

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه ) حاج شیخ اسدالله . بنده موافقم و پس از يك مخالفت عرض خواهم کرد

رئیس . آقای سیدالملك ( اجازه ) سیدالملك . چون در ماده اول نوشته شده بود « ادارات یا وزارتخانهها و پس از مذاکرات نباشد نوشته شود

ادارات و وزارتخانهها » این ماده هم خوب است اینطور نوشته شود . علاوه بر شرایط مندرجه در ماده ( ۲ ) داوطلبان خدمت رسمی در ادارات و هر وزارتخانه باید معلومات لازم و شرایط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوطه را دارا باشند و در جلوی هر وزارتخانه کلمه ( و ) اضافه شود

رئیس . آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )

حاج شیخ اسدالله . این فرمایش آقای سیدالملك يك اصلاح عبارتی بود و مخالفت اساسی نبود تا بنده هم در زمینه موافقت جواب عرض کنم . فقط يك اصلاح عبارتی بود و منوط باین است که آقای مخیر آنرا قبول یارد کند

رئیس . آقای تدین ( اجازه )

تدین . بنده هم موافقم رئیس . آقای دست غیب ( اجازه )

حاج سید محمد باقر دست غیب . بنده در جزو پنجم ماده دوم مخالفت کردم برای این بود که تحصیلات سال سوم متوسطه را برای مستخدمین زیاد می دانستم . اینجا هم شرایط این ماده را برای مستخدمی که از درجه اول که بنایست اداره داخل می شود زیاد مردانم و عبارت ( معلومات لازم ) که در این ماده نوشته شده زیرا ممکن است بکنفر باندازه نوم معلومات اداری را داشته باشد و در موقعی که اداره وارد شود باو بگویند معلومات لازم را دارا نیستی و اگر مقصود دانستن نظامنامه اداری است ممکن است نظامنامه راجلوی او بگذارد و بگویند باید مطابق شرایط این نظامنامه رفتار کنی والا اگر غیر از این باشد اسباب زحمت اشخاصی است که

می خواهند استخدام دولت را قبول کنند در حالی که باندازه درجه اول استخدام هم که نیاتی باشد معلومات اداری را دارند . باین جهت بنده با اصل این ماده مخالفم

آقا شیخ ابراهیم زنجانی مخیر کسبون - معلوماتی که در جزو پنجم ماده دوم ذکر شده است معلوماتی است که باید عموم مستخدمین دارا باشند ولی معلوماتی که در این ماده ذکر شده است معلوماتی است خصوصی مثلا اگر وزارت پست و تلگراف بخواهد مأمورینی برای مغایره تلگراف استخدام کند البته لازم است که شخصی مستخدم مغایره تلگراف را بلد باشد و آن معلومات اولیه که تحصیلات سه ساله متوسطه است برای این مستخدم کافی نیست باید آن معلومات را دارا باشند و هم مغایره تلگراف را بدانند همینطور مستخدم سایر ادارات مثلا مستخدمین مالی باید شرایط اداره کردن امور مالی را بدانند

مستخدم وزارت داخله باید هر ایضی که برای حکومت لازم است بدانند و چون آن معلومات اولیه کافی نبود باین جهت این ماده نوشته شد

رئیس . آقای عماد السلطنه ( اجازه ) عماد السلطنه طباطبائی - موافقم .

رئیس - آقای جلیل الملك . موافقم رئیس - آقای اقبال السلطان ( اجازه )

اقبال السلطان - بنده این قانون را بتوانم محروم کردن مستخدمین از خدمت بیشتر شبیه می بینم تا بقانون استخدام در ماده دوم يك شرایطی معین شده است که بآن شرایط يك عده از مستخدمین ازدخول در ادارات دولتی محروم می مانند در این ماده سوم هم يك عده دیگر محروم می کنند . شاگردان مدارس پس از آنکه سنشان به هیجده سال رسیده و باندازه کفایت معلومات لازم را دارا باشند اگر خواستند داخل یکی از ادارات بشوند معلومات اداری را چطور میتوانند بدانند ؟ در صورتی که در ماده پنجم يك سال برای آنها معین شده است که در ظرف آن يك سال معلومات اداری را بیاموزند . علاوه شخص مستخدم که داخل يك اداره شد ابتدا از نیاتی شروع می کند و در ظرف این يك سال که باید مجانی خدمت کند

البته معلومات لازم اداری را خواهد آموخت اشخاصی که از مدرسه بیرون می آیند معلومات اداری را که يك نفر وزیر برای وزارتخانه در نظامنامه می نویسد از کجا خواهد دانست ؟ این يكسال مدت خدمت مجانی برای آموختن همین معلومات است و بنده این ماده را بیکلی زاید می دانم

مخیر - آیا می توان گفت کاری بکسی رجوع شود در صورتیکه مربوط بانکار نباشد ؟ خیر .

ناچار باید مربوط باشد و يك سال خدمت ابتدائی که در ماده پنجم معین شده است برای بوقوع عمل گذاردن معلومات است که کاملا در موقع عمل آموخته شود علی ای حال باید معلومات مخصوصه را دارا باشد .

رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه )

نصرت الدوله - بنده موافقم رئیس - آقای آقا سید بقوب - بنده هم موافقم رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )

حاج سید محمد باقر دست غیب دفاعی که آقای مخیر فرمودند متعجب نبودم معلومات عملی را باید در ضمن عمل بیاموزند آقای مخیر معلومات خصوصی و عملی مثل زدن بتلگراف چی گری اگر درست وقت فرمایند مستخدمی که برای مغایره تلگراف استخدام می شود .

اولا در خود تلگرافخانه مغایره تلگراف را باو یاد می دهند علاوه اگر مغایره تلگراف را هم نداند نیاتی که میداند و معلومات اداری را در مدت خدمت ابتدائی خواهد آموخت ولی بمجرد ورود در اداره لازم نیست معلومات اداری را کاملا بدانند . بدیهی است کسی که ابتداء وارد اداره می شود چون از درجه اول خدمت که نیاتی است شروع می کند باید نیات را بداند و اگر قصد آقاییان هم از این ماده همین است ممکن است کسیکه تازه استخدام می شود از او تحقیق کنند که می توانی نیاتی بگویی یا نه ؟ از دو حال خارج نیست : یا می گوید آری یا می گوید خیر بماند آنکه گفت میتوانم نیاتی کنم او را امتحان نیاتی کنند اگر از عهده برآمد قبول می کنند و شروع خدمت میکند و در این صورت باید نوشته شود معلومات اداری را باندازه رتبه خودش بداند نه اینکه معلومات يك وزارتخانه و يك نفر نیات بداند .

این است که این قانون همانطور که آقای اقبال السلطان فرمودند بقانون محرومیت مستخدمین ازدخول در ادارات بیشتر شباهت دارد تا بقانون استخدام ( جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است )

رئیس - دو فقره پیش نهاد از طرف آقاییان اقبال السلطان و سیدالملك رسیده قرائت می شود

بشرح ذیل قرائت شد ۱ - مقام محترم مجلس شورای ملی شیدالله از آنجا که این بنده پیش نهاد می کنم که ماده ۳ این قسم اصلاح شود ، علاوه بر

شرایط مندرجه در ماده ۲ داوطلبان خبر رسمی در ادارات و وزارتخانهها باید ... سیدالملك

۲ - مقام منبع ریاست مجلس - بنده حذف ماده سوم را پیشنهاد می کنم

مخیر - اصلاح آقای سیدالملك را که تبدیل « یا » به « و » است کسبون می پذیرد

رئیس . آقای اقبال السلطان ( اجازه ) اقبال السلطان . بنده در ضمن عرضم عرض می کنم که راجع باین ماده کردم توضیحات راچ پیش نهاد خود را عرض کردم ولی در مقابل اعتراض بنده نه از طرف آقاییان موافقت و نه از طرف آقای مخیر جواب مقنی داد نشد . در این ماده نوشته شده است ( داوطلبان خدمت رسمی در ادارات و وزارتخانه ها باید معلومات لازم و شرایط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مخصوصه اداره مربوطه را دارا باشند ) داوطلبان خدمت این معلومات را از کجا تحصیل می کنند ؟ در مدرسه که تر نیات اداری را درس نمی دهند . البته باید در خود وزارتخانه در ضمن عمل معلومات اداری را یاد بگیرند . فقط همان اندازه معلوماتی را که در فقره پنجم ماده دوم معین شده باید در خارج تحصیل کند والا معلومات اداری مخیر مثل زدن بتلگراف چی اگر درست وقت فرمایند مستخدمی که برای مغایره تلگراف استخدام می شود .

اولا در خود تلگرافخانه مغایره تلگراف را باو یاد می دهند علاوه اگر مغایره تلگراف را هم نداند نیاتی که میداند و معلومات اداری را در مدت خدمت ابتدائی خواهد آموخت ولی بمجرد ورود در اداره لازم نیست معلومات اداری را کاملا بدانند . بدیهی است کسی که ابتداء وارد اداره می شود چون از درجه اول خدمت که نیاتی است شروع می کند باید نیات را بداند و اگر قصد آقاییان هم از این ماده همین است ممکن است کسیکه تازه استخدام می شود از او تحقیق کنند که می توانی نیاتی بگویی یا نه ؟ از دو حال خارج نیست : یا می گوید آری یا می گوید خیر بماند آنکه گفت میتوانم نیاتی کنم او را امتحان نیاتی کنند اگر از عهده برآمد قبول می کنند و شروع خدمت میکند و در این صورت باید نوشته شود معلومات اداری را باندازه رتبه خودش بداند نه اینکه معلومات يك وزارتخانه و يك نفر نیات بداند .

این است که این قانون همانطور که آقای اقبال السلطان فرمودند بقانون محرومیت مستخدمین ازدخول در ادارات بیشتر شباهت دارد تا بقانون استخدام ( جمعی از نمایندگان مذاکرات کافی است )

رئیس - دو فقره پیش نهاد از طرف آقاییان اقبال السلطان و سیدالملك رسیده قرائت می شود

بشرح ذیل قرائت شد ۱ - مقام محترم مجلس شورای ملی شیدالله از آنجا که این بنده پیش نهاد می کنم که ماده ۳ این قسم اصلاح شود ، علاوه بر

شرایط مندرجه در ماده ۲ داوطلبان خبر رسمی در ادارات و وزارتخانهها باید ... سیدالملك

۲ - مقام منبع ریاست مجلس - بنده حذف ماده سوم را پیشنهاد می کنم

مخیر - اصلاح آقای سیدالملك را که تبدیل « یا » به « و » است کسبون می پذیرد

مجلس بپاره رأی داد معلوم می شود این پیشنهاد قابل توجه نیست

رئیس . رأی میگیریم بپاره آقاییانی که ماده سوم را تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس . تصویب شد . ماده چهارم بمصون ذیل قرائت شد

ماده چهارم دخول در خدمت رسمی باید بطرز مسابقه بعمل آید و هر وزارتخانه یا اداره مکلف است نظامنامه راجع بترتیب مسابقه را مطابق احتیاجات اداری خود تنظیم نماید

رئیس . آقای سلیمان میرزا ( اجازه ) سلیمان میرزا - بنده موافقم

رئیس . آقای نصرت الدوله چطور موافقت می کنید ؟ خوب است آقای مخیر توضیح بفرمایند .

مخیر . البته اگر خود آقا هم بخواهند چند نفر را با شرایط مخصوص استخدام نمایند البته بین چهار پنج نفر که شرایط مقرر در ادارات هستند سابقه آنها را ملاحظه خواهند کرد . اگر دیپلم داشته باشند نمرات دیپلم ها را می بینند هر کدام نمره اش اسبق است او را استخدام می کنند البته اخلاق سابقه همه این ها را ستجند هر کدام بهتر بودند او را استخدام می کنند همین طور بالاتر مثلا از میان ده نفر متشی اول که شرایط مدیری شعبه رادار هستند می خواهند يك نفر مدیر شعبه انتخاب کنند البته سابقه و اخلاق و عادات آنها سنجیده می شود حتی همان طور که آقای آقا سید بقوب فرمودند اگر در تمام شرایط هم مساوی بودند بالاخره آنکه استطاعتش کمتر است او را انتخاب می کنند .

رئیس . آقای تدین ( اجازه ) تدین . بنده موافقم

رئیس . مخالفی نیست ؟ ( گفتند خیر )

رئیس . رأی می گیریم بپاره چهارم آقاییانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس آقای اقبال السلطان اجازه

اقبال السلطان - در ماده دوم که شرایط استخدام داوطلبان معین شده است یکی از آن شرایط داشتن تصدیق نامه سال سوم متوسطه است یا لااقل معلومات مطابق آن بدیهی است داوطلبان باید تصدیق نامه کلاس سوم مدارس متوسطه را دارا باشند فرضاً

ه نفر کاندید آمدند بيك وزارتخانه و هر ه نفر دارای تصدیق نامه سال سوم متوسطه می باشند آیا این جا تکلیف مسابقه چطور است ؟ آیا دیپلم هائی که در دست آنها است ملاحظه می کنند یا آنها را امتحان می کنند به بینند کدام يك بهتر کار کرده اند ؟ اگر بنا باشد دیپلم دا را به بینند چطور می توانند بآن دیپلمها ها که هر ه از بيك کلاس است مسابقه آن ها را معلوم کنند ؟ خوب است آقای مخیر توضیح بفرمایند .

مخیر . البته اگر خود آقا هم بخواهند چند نفر را با شرایط مخصوص استخدام نمایند البته بین چهار پنج نفر که شرایط مقرر در ادارات هستند سابقه آنها را ملاحظه خواهند کرد . اگر دیپلم داشته باشند نمرات دیپلم ها را می بینند هر کدام نمره اش اسبق است او را استخدام می کنند البته اخلاق سابقه همه این ها را ستجند هر کدام بهتر بودند او را استخدام می کنند همین طور بالاتر مثلا از میان ده نفر متشی اول که شرایط مدیری شعبه رادار هستند می خواهند يك نفر مدیر شعبه انتخاب کنند البته سابقه و اخلاق و عادات آنها سنجیده می شود حتی همان طور که آقای آقا سید بقوب فرمودند اگر در تمام شرایط هم مساوی بودند بالاخره آنکه استطاعتش کمتر است او را انتخاب می کنند .

رئیس . آقای تدین ( اجازه ) تدین . بنده موافقم

رئیس . مخالفی نیست ؟ ( گفتند خیر )

رئیس . رأی می گیریم بپاره چهارم آقاییانی که ماده چهارم را تصویب می کنند قیام فرمایند

رئیس . تصویب شد . ماده پنجم بمصون ذیل قرائت شد

ماده پنجم مدتی را که مستخدمین در ابتداء ورود بخد مت بعنوان عضو مبتدی کار می کنند جزو مدت خدمت رسمی آنها محسوب نمی شود و ابتداء خدمت رسمی مستخدمین از روزیست که رسماً داخل خدمت شده باشند و در موقع ترفیع رتبه با اضافه مقرری مدت خدمت رسمی رعایت

می شود اهم از این که در بيك وزارتخانه خدمت کرده باشد یا در وزارتخانه های مختلف مشروطاً بر این که خروج از بيك وزارتخانه در نتیجه محکومیت بانفصال نبوده و دخول در وزارتخانه دیگر با اجازه وزارتخانه اولی باشد و مدت خدمت بعنوان عضو مبتدی يكسال خواهد بود

تبصره - هر گاه مستخدمی از خدمت دولت مستعفی شود و در زمانی دولت قبول استخدام او را نماید مدت خدمت اولیه او جزو ستون خدمت محسوب خواهد شد

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه ) حاج سید محمد باقر دست غیب - هر قانون گذاری باید اطراف احتمالات مضره به آن قانون را که میخواهد وضع کند ملاحظه کرده بمدة قانون وضع نماید بنده در دو جمله این ماده مخالفم یکی در این عبارت « مشروط بر اینکه خروج از بيك وزارتخانه در نتیجه محکومیت بانفصال نبوده و دخول در وزارتخانه دیگر با اجازه وزارتخانه اولی باشد » زیرا ممکن است در وزارتخانه اولی نسبت باین شخص ظلمی شده باشد و اگر جرات نباشد العیاذ بالله تشعیر بالله وزیر باین شخص غرض داشته باشد و این شخص يك مقام دیگری در وزارتخانه ها دیگر برای خودش پیدا کرده باشد حالا متصل برود به آقای وزیر بگوید رضایت نامه بمن بده در صورتی که هیچ خلافی هم نکرده است و خدای نخواسته اگر فرض در بین باشد رضایت نامه باوندهند تکلیف این شخص بیچاره چیست ؟ بلی اگر شخصی در وزارتخانه برخلاف وظایف اداری از قبیل رشوه گرفتن و غیره کاری کرده باشد و وزارتخانه او را قابل نداند این مسئله درباره او اعمال شود بد نیست ولی اگر بيك نفری که هیچ تقصیر نکرده و بعلمتی که عرض کردم خواست از بيك وزارتخانه به بيك وزارتخانه دیگر برود باید متصل برود خدمت آقای وزیر که بمن اجازه بده و آقای وزیر هم خدای نخواسته بواسطه فرض شخصی باو اجازه نامه ندهد این ظلم فاحشی است . بيك مسئله دیگر را هم که بنده مخالفم این است که در این ماده نوشته شده است مدت خدمت بعنوان عضو مبتدی يكسال خواهد بود . بنده علت قید بيك سال را نمی فهمم . اگر مقصود این است که در ظرف این مدت علم خود را به موقع عمل بگذارد و تجربه بیاموزد بنده بيك سال راز یاد می دانم و شش ماه کافی است و اگر فرض این است که در این مدت معلوماتی تحصیل کند من نمی فهمم در ماده دوم که بيك درجه تحصیلات علمی برای مستخدمین معین کرده است و در ماده سوم هم بيك اندازه تحصیلات اداری برای مستخدمین قید کرده اند در این صورت بنده دیگر این شرط

را که علاوه بر آن شروط است صحیح نمی دانم و بآن شرایط اولیه بيكسال بدبخت مستخدم را دو اندن ظلم است و شش ماه کافی است این است که بنده با این ماده مخالفم

رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه ) سهام السلطان - اولاد در خصوص قسمت اول که آقای دست غیب اظهار مخالفت فرمودند البته تصدیق می فرمایند مستخدمی که مدتی در وزارتخانه خدمت کرده و مبالغی دولت خرج آن مستخدم کرده است و تازه بيك اطلاعاتی از کارش پیدا کرده است همینکه در وزارتخانه یا اداره دیگر حقوق زیادتری باو می دهند اگر بنا شود فوراً اداره اولی را ترك کرده با اداره دیگر برود و او این که در هر دو اداره بدولت خدمت می کند ولی این استفاده که باید از وجود او برده شود از بین می رود و وقتی کسی می خواهد از اداره خارج شود با اداره دیگری داخل شود باید از شخص وزیر اجازه نامه حاصل کند . و راجع ب قسمت ثانی که فرمودند بيكسال - برای خدمت ابتدائی زیاد است در اینجا هم تصدیق خواهند فرمود که مستخدمین در ابتدای ورود با اداره بيك مقدار اطلاعات علمی که در خارج تحصیل کرده اند باید دارا باشند ولی چون لازم است علم آن ها با عمل توأم شود باین واسطه بيكسال مدت خدمت ابتدائی معین شده که در این مدت در اداره علم خود را به موقع عمل بگذارد و پس از آن شغل رسمی به آنها رجوع شود . حالا اگر مجلس صلاح بداند شش ماه مدت معین شود بنده هم مخالفی ندارم . ولی اساساً بيك مدتی لازم است که مستخدمین در بدو ورود بخد مت برای بوقوع عمل گذاردن عملشان مجازا خدمت کنند .

رئیس - آقای نظام الدوله ( اجازه ) نظام الدوله - بنده موافقم

رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه ) حائری زاده - ه رایض بنده گفته شد

رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه ) نصرت الدوله - بنده هم موافقم

رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه ) حائری زاده - ه رایض بنده گفته شد

رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه ) نصرت الدوله - بنده هم موافقم

رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه ) حائری زاده - ه رایض بنده گفته شد

رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه ) نصرت الدوله - بنده هم موافقم

رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه ) حائری زاده - ه رایض بنده گفته شد

باشد اورا از اداره خارج کردند حالا بان کار نداریم ولی اگر خواست داخل در اداره دیگری بشود و از شخص وزیر اجازه خواست و وزیر هم نظر بفرش شخصی او اجازه نداد در این صورت تکلیف این مستخدم بیچاره چیست ؟ و بعقیده بنده این عبارت (ودخول در وزارتخانه دیگر با اجازه وزارت خانه اولی باشد) زیاده است

**مخبر** - يك وزارتخانه مدتی زحمت کشیده مستخدمی را تربیت کرده موفقی که وزارت خانه بابت او وجود این شخص استفاده کند که يك مرتبه آن اداره را گذارده برود جای دیگر که حقوق باو بیشتر میدهند این مسئله صحیح نیست و تولید هر چه مرغ می کنند علاوه شاید يك شخصی در يك اداره خوب کار می کند يك اداره دیگر این شخص را تعجب و تعریك كرد و خواست این شخص را با اداره خودش ببرد اینجا تعکیف چیست ؟ ما باید کاری بکنیم که رفع معظور بشود البته باید کسی که از وزارت خانه خارج و با اداره دیگری داخل می شود اجازه نام از وزارت خانه اولی داشته باشد و اینکه تصور میفرمایند شاید با مستخدم غرض داشته باشند پس از این باید در دست بالا دست راجع که کند و بالادست زیر دست راجع که کند روی هم رفته ترتیبی بشود که از طرف وزیر اعمال غرض نشود

**رئیس** - آقای آقا میرزا سید حسن کاشانی

(اجازه)

**آقا میرزا سید حسن کاشانی** - عرض می کنم با وجود شرایطی که در ماده دوم موسوم برای دخول مستخدمین در ادارات معین شده بنده یکسال خدمت مجانی را از یاد و شش ماه را کافو میدانم

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا

(اجازه)

**سلیمان میرزا** - عرض می کنم اگر صحبت راجع بمشله ایست که آقای دست غیب می فرمایند یعنی برای اعمال غرض و زراه است تقاضای کنم ماده شصت و پنج را قرائت فرمایند جواب در همان جا نوشته شده است معیار آن آخری مرجع نظلم راجع بوزاره معین شده است . ماده شصت و پنج می نویسد مرجع شکایت مستخدمین ادارات از وزراء در موارد نقض یکی از مواد این قانون شورای دولتی و در غیاب آن دیوان عالی تیز خواهد بود . پس محکمه برای نظلم راجع بوزاره معین شده است و بنا بر فرمایش آقای دست غیب استعجیر بالله اگر روزی خواست نسبت بیک از اعضاء وزارت خانه ظلمی بکنند که برخلاف یکی از مواد این قانون باشد آن شخص برای رفع ظلم فوراً میتواند با شورای دولتی یا در غیاب شورای دولتی بدیوان عالی تیز مراجعه

نماید و این مسئله که عرض کردم گمان می کنم آقای دست غیب را قانع کرده باشد اما راجع بیک سال خدمت ابتدائی که فرمودند ششماه کافی است . اولاً آیامان باید پس از گذشتن این قانون در فکر باشیم که چهار اشکال نشویم و ضمناً این قانون بموقع عمل بیاید یا خیر .

خوب است آقایان این مسئله را در نظر بگیرند که اگر انشاء الله مدارس مادر تمام نقاط ایران مفتوح شد و تمام اطفال ما معلومات و شرایطی را که در این قانون ذکر شده دارا شدند اگر بنا باشد شش ماه مدت خدمت ابتدائی معین شود حساب بفرمایند در هر شش ماه چقدر عضو جدید برای داخل شدن در ادارات حاضر می شوند و چقدر از این اعضاء را دولت می تواند در ادارات بپذیرد و در موقعی که با نظر شد دولت مجبور می شود برخلاف این قانون رفتار نموده اعضاء را نپذیرد ولی وقتی که یکسال مدت را معین کردیم این معظور کمتر میشود

ثانیاً بعض ادارات و وزارتخانه هستند که برای تحصیل معلومات این جا شش ماه بیشتر وقت لازم دارد و یکی از آن وزارتخانه تلگراف خانه است که اگر يك کس بخواهد در تلگرافخانه داخل بشود لافل این مدتی را که در اینجا نوشته شده لازم دارد مثلاً ثبانی را که آقایان اظهار می نمایند عرض کردم ثبات آن معنی را ندارد که چیز بنویسد مقصود رتبه است ممکن است تلگرافچی باشد پای دستگاه تلگراف هم می آید و مغایر هم می کند ولی در تمام دوره خدمتش يك کافد ثبت نکند و ممکن است پشت میزیستخانه بنشیند و روی پاکت را تمبر بچسباند در دوره همرش يك کافد هم ثبت نکند آقا رتبه ثبانی داشته باشد و در این رتبه معلومات اداری هم لازم است پس اگر در تلگرافخانه است باید اطلاعات تلگرافی داشته باشد و اگر در عدلیه و یا وزارتخانه دیگری است در آنجا تحصیلات خصوصی و عملی آن وزارتخانه را باید بداند بنا بر این هر وزارتخانه يك معلوماتی لازم دارد که شاید در بعضی ادارات بشود شش ماه تحصیل کرد ولی در سایر دوایر مخصوصاً در تلگرافخانه لافل یکسال عمل لازم دارد که يك تلگرافچی خوب بدست بیاوریم این است باین نظر که این قانون عمومی است و بایستی طوری بشود که در وزارتخانه تولید اشکال نکند با تبادل نظر هیئت دولت که در کمیسیون بودند یکسال راجع معتر و عملی تر و مناسب تر دیدند .

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده پیشنهاد کرده ام در موقعی که عرض خواهم کرد

**رئیس** - آقای سید یعقوب

(اجازه)

**آقا سید یعقوب** - بنده پیشنهاد کرده ام در موقعی که عرض خواهم کرد

**رئیس** - آقای سید یعقوب

(اجازه)

**سید ابوالملك** - در ماده پنج ذکر شده مدتی را که مستخدمین در ابتدای ورود بخدمت بعنوان عضو مبتدی کاری کنند جزو مدت خدمت رسمی آنها محسوب نمی شود در صورتی که در ماده سوم ذکر شده وقتی معلومات و شرایط اختصاصی مقرر در نظامنامه های مربوطه هر اداره را دارا باشند پذیرفته می شوند در اینصورت بعقیده بنده خوب است این مدت یکسال در جزو خدمت رسمی آنها محسوب شود . این بود عرض بنده .

**رئیس** - مذاکره کافی است

**جمعی از نمایندگان** - کافی است

**رئیس** - پیشنهادات راجع بماده پنج قرائت می شود .

(مضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می کنم عبارت و دخول در وزارتخانه و مدت خدمت حذف شود .

**دست غیب** - بنده پیشنهاد می کنم در ماده پنج مدت خدمت بعنوان مبتدی عوض یکسال شش ماه نوشته شود

**وکیل الملك** - بنده پیشنهاد می کنم خدمت ابتدائی ششماه باشد

**رئیس** - آقای آقا سید یعقوب

(اجازه)

**آقای آقا سید یعقوب** - حضرت والا فرمودند یکسال برای خاطر این است که این داوطلب معلومات اداری را دارا شود در صورتیکه مواد دیگر این قانون معین نموده که داوطلبان در موقعی ورود باید دارای معلومات لازم هر وزارتخانه را باشند پس اولاً آن بیچاره داوطلب مدتی باید سرگردان باشد که این تکالیف و شرایط را تحصیل کند آنوقت وارد اداره شود و در ثانی یکسال دیگر هم سرگردان باشد

بلی اینکه فرمودند باید خودش را حاضر کرده باشد صحیح است ولی بعد از اینکه شما معین کردید که ترتیبات لازم هر وزارتخانه را بداند دیگر مقتضی نیست یکسال هم مجانی خدمت کند پس بعقیده بنده یکسال خدمت مجانی زیاد و ششماه کافی است این بود توضیح بنده دیگر بسته بنظر آقایان است .

**رئیس** - آقای وکیل الملك

(اجازه)

**وکیل الملك** همان طور که آقای آقا سید یعقوب فرمودند مدت زیاد است و اینکه حضرت والا فرمودند که چون مدارس بعد از این زیاد می شود و شاگردان زیاد بیرون می آیند باید مدت استاز آنها را زیادتر معین کنیم . بنده عرض می کنم فرضاً ما (دو هزار مدرسه داشته باشیم) آیا دولت مجبور است شاگردان تمام این مدارس را در ادارات بپذیرند ؟ علاوه میفرمایند برای تحصیل اطلاعات اداری در بعضی از

ادارات ششماه کافی نیست و ضمناً مثل زنده بتلگرافخانه در صورتیکه در جزو خدمت دوم میزان تحصیل مستخدمین را معین کرده اند که شخص مستخدم درجه اول بایستی تصدیق نامه سه ساله متوسطه را دارا باشند بنا بر این یکسال را برای تحصیل خصوصی زیاد می دانم و عقیده ام این است ششماه کافی است و بیش از شش ماه صحیح نیست .

**مخبر** - معلومات مربوط بانچه عملی نیست ممکن است شخصی خیلی با باشد ولی امروز که داخل در تجارتخانه می شود ترتیب تجارت را نداند باید کرد تا ترتیب را یاد گرفت مثلاً خورد اول که وارد مجلس شدیم ترتیب مجلس را نمی دانستیم و بعد از چندی ترتیب را گرفتیم پس ناچار باید عملیات بشود شخص بتواند کار بکند والا اگر شخص فاضلی را هم پشت صندلی اداری بنشانند نمی تواند کار بکند و نمی داند ترتیب چیز است مدتی باید کار کند تا عمل را بگیرد حالا شش ماه یا یکسال بعقیده بنده اگر یکسال که باشد البته عملی و کاری است و در تمام وزارت خانه ها هم عمل می شود .

( بعضی گفتند مذاکرات کافی است )

**رئیس** - رأی می گیریم بقبول نمودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای وکیل الملك آقایانی که این درویش نهاد قابل توجه می دانند قیام فرمایند

( عده قلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد . آقا دست غیب

( اجازه )

**حاج سید محمد باقر** - موافقت

یکی شاهزاده سلیمان میرزا بودند و یک آقای سهام السلطان و شاهزاده سلیمان میرزا عراض بنده را تصدیق کردند آنها فرمودند ماده شصت و پنج با اقتدار عمل یکسال هم مطالعه کردم ولی متأسفانه اینجا هم چیزی ندیدیم من این طور می بینم البته اگر آقایان موافقتین طور دیگر می فهمند بفهمند گذشته از جواباتی که در نظر دارم عقیده ام این است که باین سلب آزادی از مستخدم خواهد شد که برای خاطر اینکه يك نفر مستخدم می شود من تا حالا می توانستم در این وزارتخانه خدمت کنم حالا دیگر دلم نمی خواهد بکنم کم مرحمت عالی زیاد . آنوقت میگردم استغفر الله اگر بخواهی جای دیگر خدمت کنی باید از وزیر اجازه بگیری و علاوه این مسئله می گویند اگر دلتنگ شد برو در دیوان عالی تیز عرض حال اگر عرض حال هم درست شد و بجهت وزارتخانه و حاکمیت توقف شد آن

باوصف آنکه حق با نوشته مجدداً باید از وزیر اجازه بگیری آنوقت بکنم مستخدم فقیر و بیچاره بدبخت که اساساً هم حکومت بانفصال هم ندارد ولی نمی خواهد در این وزارتخانه خدمت کند علاج ندارد و این حقیقتاً ظلم است و منافی با آزادی است و در مسئله مدت هم که ششماه بایکسال باشد عرض نمی کنم زیرا آقایان کاملاً بیان فرمودند ولی این مسئله هم که سهم خود بود عرض کردم

**رئیس** - آقای سهام السلطان

( اجازه )

**سهام السلطان** - آقای دست غیب اگر فلسفه این قانون استخدام دقت بفرمایند البته تصدیق می فرمایند قرارداد است که بین دولت و اشخاصی که برای خدمت می آورند بسته میشود و هر دو طرف با رضایت قبول می کنند که باین مواد رفتار نمایند و هیچ وجه من الوجود برخلاف آزادی کسی هم نیست و از روز اول باین شرایطی که در این جا نوشته شده است قبول می کنند و داخل در خدمت می شوند دولت هم يك نهدانی در مقابل او می کند و او هم يك زحماتی را در مقابل آنچه که دولت می دهد بعهده می گیرد و وقتی يك قراردادی مطابق رضایت طرفین نوشته شد دیگر سلب آزادی معنی ندارد و این شخصی که در این وزارتخانه داخل شده دولت می بیند اگر کافی است نگاهداری از او می کند و اگر کافی نیستی وزارتخانه دیگر که احتیاج باو دارند انتقالش می دهند و اگر درست وقت بفرمایند وقتی که از روی لیاقت و استحقاق با اشخاص کار دارند دیگر بی ترتیب نیستی که بنده دلم بخواهد در وزارتخانه دیگر که درجه بالاتر بروم باین یکی يك درجه بالاتر را بخواهد و بایستی موافق يك قوانینی رفتار شود و این بیچوجه من الوجود برخلاف آزادی نیست

**رئیس** - رأی می گیریم بقبول نمودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای وکیل الملك آقایانی که این درویش نهاد قابل توجه می دانند قیام فرمایند

( عده قلیلی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد . آقا دست غیب

( اجازه )

**حاج سید محمد باقر** - موافقت

یکی شاهزاده سلیمان میرزا بودند و یک آقای سهام السلطان و شاهزاده سلیمان میرزا عراض بنده را تصدیق کردند آنها فرمودند ماده شصت و پنج با اقتدار عمل یکسال هم مطالعه کردم ولی متأسفانه اینجا هم چیزی ندیدیم من این طور می بینم البته اگر آقایان موافقتین طور دیگر می فهمند بفهمند گذشته از جواباتی که در نظر دارم عقیده ام این است که باین سلب آزادی از مستخدم خواهد شد که برای خاطر اینکه يك نفر مستخدم می شود من تا حالا می توانستم در این وزارتخانه خدمت کنم حالا دیگر دلم نمی خواهد بکنم کم مرحمت عالی زیاد . آنوقت میگردم استغفر الله اگر بخواهی جای دیگر خدمت کنی باید از وزیر اجازه بگیری و علاوه این مسئله می گویند اگر دلتنگ شد برو در دیوان عالی تیز عرض حال اگر عرض حال هم درست شد و بجهت وزارتخانه و حاکمیت توقف شد آن

**رئیس** - رأی می گیریم بقبول نمودن پیشنهاد آقای آقا سید یعقوب و آقای وکیل الملك آقایانی که این درویش نهاد قابل توجه می دانند قیام فرمایند

( عده ممدودی قیام نمودند )

**رئیس** - قابل توجه نشد . آقا دست غیب

( اجازه )

**سلیمان میرزا** - تبصره اش خوانده نشد ...

(بمضمون ذیل قرائت شد)

تبصره - هر گاه مستخدمی از خدمت دولت مستعفی شود و در ثانی دولت قبول استخدام او را بنماید مدت خدمت اولیه او جزو سنوات خدمت محسوب خواهد شد .

**رئیس** - رأی می گیریم بماده پنج با تبصره آن آقایانی که تصویب میفرمایند قیام نمایند .

( اغلب نمایندگان قیام نمودند )

**رئیس** - ماده ششم (بمضمون آتی قرائت شد)

ماده ششم - مستخدمینی که بپیل و اراده خود از خدمت وزارتخانه خارج میشوند نمیتوانند مجدداً وارد خدمت این وزارتخانه یا وزارتخانه دیگر بشوند مگر بیک درجه پائین تر از رتبه که در حین خروج از خدمت داشته اند .

**رئیس** - آقای حاج شیخ اسدالله

( اجازه )

**حاج شیخ اسدالله** - تصور می کنم احساسات آقایان هم با عقیده بنده موافق است برای این که این ماده برخلاف انصاف و تمدن است که يك نفر مستخدم بدون تقصیر و با حسن سابقه يك خدمات لایقی که محل توجه وزارتخانه هم هست يك وقت بواسطه يك خستگی یا بواسطه حوادثی میل میکند از وزارتخانه دست بکشد و استعفا کند یا يك وقت میل می کند برای احتیاجاتی که پیدا کرده داخل در خدمت دیگری بشود فلسفه اینکه دولت دیگر او را در آن وزارتخانه نپذیرد و با اگر بپذیرد باید تنزل رتبه داشته باشد خوب است اگر آقای مخبر توضیحی دارند بفرمایند والا بنده این قسمت را اساساً برخلاف فلسفه و در حقیقت يك ظلمی نسبت بمستخدمین می دانم .

**مخبر** - بهترین ماده که در این لایحه است در همین ماده است زیرا ممکن است يك کسی در اداره خدمت کند و خیلی هم خوب کار بکند و بعد در خارج يك کاری پیدا بشود که وجه زیادتری برای انجام آن کار باو بدهند آن وقت او برود و آن پول را بگیرد در صورتیکه مدتی اداره را معطل کرده البته چنین شخصی اجنبی شده و مثل این است که خودش خودش را تنزل داده اما اگر عذر می دهد بدبختی است عذر پیدا شدن استعفا لازم ندارد . عذرش را اظهار می کند و خصی باو می دهند نه اینکه بپیل و دلخواه خودش ترک عمل خود را کرده و برای منافع بیشتری برود و ترک کار بکند و در پی آن منافع بالاتر برود و درصدد تحصیل آن باشد و باز برگردد و بگوید حال اول را دارم لهذا باید قرارداد داده شود که اگر خواستند او را قبول کنند يك درجه پائین تر بیاید .

**رئیس** - آقای عماد السلطنه

( اجازه )

**عماد السلطنه** - مخالفم .

**رئیس** - بفرمایند .

**عماد السلطنه** - آقای مخبر يك شق دولت مستعفی شود و در ثانی دولت قبول استخدام او را بنماید مدت خدمت اولیه او مجبور بشود که از کار کناره کند و در تحت يك حوادثی استعفا بدهد .

(بعضی از نمایندگان اجازه بگیرد)

**عماد السلطنه** - یا ناخوش بشود همه

مستخدمین که متول نیستند که برای سر کشی بملک و ولایت خودشان از کار خارج شوند یا برای منافع اداره خود را رها کنند ممکن است بعکس مستخدمینی باشند که بواسطه پیش آمد این قبیل حوادث از کار کناره گیری کنند .

**رئیس** - آقای سلیمان میرزا

( اجازه )

**سلیمان میرزا** - این قانون پس از اینکه بعد از شور اول در کمیسیون مطرح شد به وزارتخانه مراجع شد و اکثر رؤسای ادارات و مستخدمین اروپایی که مشکلات کار را می دانستند این قانون را مطالعه نورند و باینک شرح مبسوطی بکمیسیون ارجاع نمودند حالا اگر اجازه بفرمایند بنده آن شرح را عرض کنم چون در تبصره ماده قبل ذکر شده که مستخدمینی که از شغل خود استخدام آنها را بنمایند مدت خدمت اولیه آنها جزو سنوات خدمت او محسوب خواهد شد حالا این مستخدمین دو قسم هستند يك وقت است که شخص مستخدم يك صرفه برای خود فرض می کند و بدون اجازه وزیر یا مافوق خود کار اداره را لنگ می گذارد و می رود مثلاً می رود بفرنگستان گردش کند و البته در این صورت يك خسارتی بدولت وارد خواهد آمد بنا بر این در درجه دوم که بخواهد داخل کار بشود باید يك درجه می پائین تر داخل شود ولی اگر این طور نبود و يك حوادثی برای شخص مستخدم اتفاق افتاد و خارج شد البته همان طور که آقای عماد السلطنه گفتند در صورتی که دولت وجود او را لازم بداند با همان رتبه سابقه او را قبول می کند چنانچه در تبصره ماده قبل هم ذکر شده زیرا اگر مستخدم قابل ولایت باشد دولت وجود او را لازم بداند و در وسیه اعمال او خوب باشد و حقیقتاً معذور بوده و خارج شده است دولت با همان رتبه او را قبول می نماید ولی این ماده برای اشخاصی است که بدون عذر از اداره بیرون می روند و در حقیقت يك مجازاتی برای این شخص که رعایت انتظامات اداری را ننموده و برای نفع شخصی اداره راهمین طور گذاشته و رفته معین شده است چون استخدام ادارات دولتی بدخواه نیست که هر دقیقه میل می کند بیاید و هر دقیقه میل کرد برود البته وقتی بدون اجازه و خود سرانه خارج شد باید مجازات بشود باین جهت این مجازات برای او معین شده که در حقیقت اگر دولت خواست ثانیاً او قبول کند باینک درجه پائین تر از شغل اولی او را قبول کند با ضافه این کار يك مشکلاتی برای ادارات دولتی تولید میکند چنانچه بعضی آقایان شاید اطلاع دارند که مثلاً در استخدام اداره گمرک اشخاصی هستند برای اینکه آنها را داخل در اداره نمایند

در بندو امر مأموریت يك نقاط بد آب و هوایی را از قبیل جنوبی منسکت قبول مینماید و پس از اینکه بطرف مأموریت خود رفت پیش خود خیال میکند که من مثلاً میروم بوشهر يك ماه جزو ماله بوشهر می شوم و همینکه کار اداری را دارا شدم آنوقت يك طریق و راه حلی را پیدا کرده که از آن مکان بد آب و هوا خارج بشود يك عنوانی مرخصی میخواهد و می آید بر کز وقتی که بر کز آمد مطابق این قانون میگوید من تصدیق نامه و سابقه اداری دارم و حالیه می خواهم در مرکز داخل کار بشوم در صورتیکه بمقتضیات بد آب و هوا بودن آن محل او را قبول کرده اند آنوقت مطابق این قانون راه حلی پیدا کرده و میگویند من چون در فلان اداره در فلان جا خدمت کرده ام در طهران هم باید با همان رتبه و همان حقوق قبول شوم و در موقعی عمل تولید مشکلاتی خواهد نمود چنانچه اداره گمرک شرح مبسوطی بطور لایحه بمجلس پیشنهاد نموده اگر هیئت نمایندگان در موقعی عمل این قسمت را در نظر نگیرند لایتنقطع در فشار مستخدمین خواهیم بود .

**اول** نقاط بد آب و هوا را قبول میکنند

و بعد از مدت قلیلی استعفا میدهند و می آیند بر کز و می گویند ما سابقه اداری داریم و ما را باید با فلان حقوق یا فلان فوق العاده حقوق انتظار خدمت و تفاوت حقوق قبول کنید .

بالاخره ملاحظه بفرمایند چقدر اداره گمرک باین ترتیب در فشار و دچار زحمت خواهد شد این است که دولت و مجلس باید فکری برای این قسم جریانات بکنند که هر ساعت ادارات دچار مشکلات نشوند

این بود که ماده دوم برای این نوشته شده که اگر دولت مناسب دانست و محل داشت اجازه میدهد او را باینک درجه پائین تر قبول کنند و اگر کسی خواست بدون اجازه خارج شود و بعد در تحت این عنوان داخل شود باید اول بداند که يك درجه پائین تر خواهد بود و دولت هم دستش باز باشد که آن مستخدم نباید اینجا و اسباب زحمت بشود مطابق ترتیبی که اداره گمرک و است پیشنهاد کرده اند اگر این ماده نباشد اداره مرکزی طهران همیشه دچار زحمت و اشکال خواهد شد و چندین برابر اجزاه اول مستخدم خواهد داشت آنوقت با باید حقوق انتظار خدمت با آنها بدهد یا هر روز زحمت باشد .

**رئیس** - مذاکرات کافی است

( جمعی اظهار نمودند کافی است )

**رئیس** - پیشنهادات قرائت میشود

(بمضمون ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد می نمایم در ماده ششم جمله اخیر نوشته شود مگر اینکه سه ماه مجانی خدمت نماید

**محمد هاشم میرزا**

بنده پیشنهاد می کنم ماده شش حذف شود .

ماده ۱۰۰ - آقا میرزا محمد هاشم میرزا بنده آنچه تصور می کنم فرمایشاتی که شاهزاده و دیگران فرمودند مقصود از تنزل رتبه مجازات است بقیه بنده مورد ندارد مجازات را در حق این اشخاص قائل بشویم و بجهت جلوگیری از اشکالاتی که شاهزاده فرمودند بقیه بنده ۳ ماه مجانی خدمت کردن کافی است همانطور که بعضی از آقایان فرمودند هم تنزل رتبه پیدا نکرده وهم برای جلوگیری از بعضی اشکالات مدنی مجانی خدمت کرده و بقیه بنده با این پیشنهاد جمع بین نظریات آقایان خواهد شد

رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )

سهام السلطان - حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا در این موضوع کاملاً توضیح دادند و گمان می کنم این تبصره و این ماده کاملاً رفع مغمضورات و اشکالات را میکند برای اینکه وقت يك مستخدم استعفا داد اگر دولت بوجودش احتیاج دارد بدون اینکه او را می پذیرد داخل در خدمت میشود ولی اگر يك مستخدمی بدون جهت در صورتیکه زحمات زیاد در یک اداره کشیده و متلاجهار درجه پنج درجه هم ترقی کرده و بدرجات عالی رسیده و حالادولت می خواهد از وجود يك چنین شخصی استفاده کند آنوقت برای اینکه یک جای خارجی حقوق زیاد تر با او می دهند از این اداره خارج شود و برود آن کار را قبول کند و پس از اینکه مجدداً بی کار شد باید در آن اداره اولی حقوق و رتبه اش را بخواهد صحیح نیست .

زیرا دولت چندسال نسبت باور هایت کرده و با او قراردادی بسته و این شخص بدون جهت آن فراد داد را لغو کرده و بدون دلیل خارج شده

بعقیده بنده همانطور که حضرت والا شاهزاده سلیمان میرزا اظهار کردند این ترتیب خیلی اسباب اشکال برای دولت میشود برای اینکه این شخص نتواند خارج بشود تنزل يك رتبه را از برای اومجازات قراردادند و دیگر در این صورت آن شخص برای پنجاه یا صد تومان حقوق و فرضا برای او اضافه معین شده است نمیرود و دولت هم استفاده خود را خواهد نمود و بنده این ماده

را لازم میدانم .  
رئیس - رأی میگیریم پیشنهاد آقای محمد هاشم میرزا آقایانیکه پیشنهاد ایشان را قابل توجه میدانند قیام نمودند  
رئیس - قابل توجه نشد  
رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه )  
نصرت الدوله - بنده با این ماده مخالفم و توضیحاتی را هم که آقای معین شاهزاده سلیمان میرزا دادند بنده را قانع نکرد آقای معین اظهار فرمودند يك کسی از استخدام خارج میشود که برود يك کار پر منفعت تر دیگری قبول کند و بعد از آنکه آن کار آن منفعت گذشت دوباره برگردد بگوید من مستخدم البته این بسیار بی مورد و بدست و باید جلوگیری کرد نظر بنده هم در اصلاحی که کرده ام این نیست که اگر برای استخدام یا خدمت دیگری برود تنزل رتبه پیدا نکند مثلاً فرض میکنم يك کسی مستخدم باشد و يك وکالت حقوقی باو رجوع کنند که منافع عمده برای او داشته باشد و آنوقت بدون مجوز قانونی و بدون تحصیل مرخصی اداره را يك سال ترک کند و بیرون یا پاریس یا شیراز برود و در آنجا وکالت حقوقی برای يك شخصی بکند و پنجاه هزار تومان دخل ببرد و بعد از يكسال یا شش ماه که مجدداً بر می گردد بگوید من مستخدم هستم . بنده معتقد هستم که نباید يك تنزل رتبه باین شخص برای خلاف صداقتی که کرده است بدهند اما فرمایشی که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند بعقیده بنده اصلاً مربوط باین ماده نیست اگر چه نظریه که شاهزاده فرمودند صحیح است لیکن ماده این مفهوم را نمیرساند و این رفتار يك خلاف انتظام اداری است و بنده تصور می کنم قانون استخدام بایست این قبیل موارد را پیش بینی کرده باشد و برای مؤاخذه يك راه حل دیگری پیدا کند . مثلاً يك مأموری را می فرستند بگمرک بوشر و چون آب و هوای آنجا بدست مایل نیست آنجا بماند می گوید من در اینجا نمی مانم و بدون اجازه و اطلاع از آنجا حرکت می کند و بتهران می آید اسم این رفتار را خارج شدن از خدمت نمی گویند بلکه اسمش را خلاف انتظامات اداری می گذارند بنده عرض می کنم قانون استخدام باید پیش بینی کند که از این قبیل رفتارها جلوگیری شود . ولی فرض بفرمایند چنانچه آقای حاج شیخ اسدالله هم متذکر شدند اگر يك حوادث خانواده کی برای يك شخص مستخدمی اتفاق بیفتد و بخواهد اجازه مرخصی بگیرد و باو اجازه مرخصی ندهند در صورتی که شاید حقوق هم نخواهد باز بی حقوق هم باو اجازه داده نشود از آن

طرف این حوادث و احتیاجات ضروری شخصی او را مجبور می کند که خارج از خدمت شود آنوقت در نتیجه يك چنین مذاکره که بین او و اداره و وزارتخانه اش اتفاق افتاده از خدمت خارج میشود برای اینکه آن گرفتاری و بدبختی را که باوروی داده رفع کند آنوقت پس از ششماه یا يك سال یا يك چندی که دوباره بر میگردد و داخل خدمت میشود اگر دولت او را می پذیرد دیگر بنده نمیدانم چرا در باره اش تنزل رتبه قائل میشود ؟ و گمان میکنم چنین ترتیبی صحیح نباشد .

ما باید بدولت حق بدهیم که اشخاصی را که محکوم نشده اند و در اثر حوادثی از کار خارج شده و بعد معاودت می کنند آنها را بپذیرد ما باید رعایت حال مردم و مستخدمین دولت را هم بنمائیم .

آقای سهام السلطان دوسه مرتبه فرمودند این يك قرارداد و بمنزله يك کفالتی است که بین دولت و اشخاص معینی منعقد می شود بنده هم تصدیق می کنم و البته مستخدمی هم که خدمت دولتی را عهده دار می شود با سابقه باین قانون است ولی ما نباید مسئله را باقصری درجه برسانیم و اگر بخواهیم این قانون را مثل کفالت بین دو نفر فرض کنیم و همان مراتب و حقوقات را قائل بشویم خلاف اصول مسلمه حقوقی خواهد بود .

بلی از يك جهت ممکن است قانون استخدام را بيك قراردادی شبیه کرد ولی بالاخره مثل این نیست که دو نفر بقیه التزام و شرایطی در يك محکمه حاضر شوند و يك قراردادی و کفالتی باهم ببندند پس باید قدری هم رعایت حال مستخدمین را بنمائیم این اظهاراتی را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند البته صحیح است ولی بنده اینها را ناشی از خلاف انتظامات اداری میدانم و باید در نظامنامه های اداری این گونه مسائل پیش بینی شده باشد چنانچه در بعضی مواد همین قانون هم پیش بینی شده است

در این صورت این ماده باید اصلاح شود . علاوه بر این بنده هیچ خط ربطی بین تبصره و این ماده نمی بینم زیرا ماده می گوید اگر مستخدمی از اداره دولت مستعفی شد خارج شدن با مستعفی شدن يك معنی را ندارد استعفا يك امر رسمی است و خارج شدن اینطور نیست . زیرا ممکن است من از اداره خارج شوم و مخصوصاً هم استعفا ندم پس خارج شدن از اداره مستلزم استعفا دادن نیست اگر خارج شدن يك نفری از اداره بدون سابقه و ترتیب و مجوز قانونی یا برای هوی و هوس شخصی و بدی آب و هوا باشد این خلاف

قانون و نظام اداری خواهد بود و مرتباً متخلف بشمار رفته و باید مجازات شود ولی اگر با ذکر دلایل موجهی باشد و مجبور شود يك سال یا دوسال از کار اداره خارج شود و ببیند بی حقوق هم باو اجازه ندهند و از آن طرف حوادث و پیش آمد هائی هم رفتن او را الزام میکنند این را نمی شود در تحت يك مجازات و شرایطی قرارداد و خوب است آقای معین قبول کنند که این ماده برگردد بکمیسیون و اصلاح شود و اگر قبول نکنند بنده کلاً شخصاً رأی نخواهم داد .

مخبر - بنده گمان می کنم آقایان اشتباه کردند از خدمت وزارتخانه خارج شدن غیر از استعفاست ؟ یعنی چه يك نفری امروز استعفا می کند و از اداره خارج می شود فردا برمی گردد و می خواهد با عیان رتبه داخل اداره شود پس او اول استعفا داده و حالا می خواهد دو مرتبه کار خود را اشغال کند این يك قرارداد و بمنزله يك کفالتی است که بین دولت و اشخاص معینی منعقد می شود بنده هم تصدیق می کنم و البته مستخدمی هم که خدمت دولتی را عهده دار می شود با سابقه باین قانون است ولی ما نباید مسئله را باقصری درجه برسانیم و اگر بخواهیم این قانون را مثل کفالت بین دو نفر فرض کنیم و همان مراتب و حقوقات را قائل بشویم خلاف اصول مسلمه حقوقی خواهد بود .

بلی از يك جهت ممکن است قانون استخدام را بيك قراردادی شبیه کرد ولی بالاخره مثل این نیست که دو نفر بقیه التزام و شرایطی در يك محکمه حاضر شوند و يك قراردادی و کفالتی باهم ببندند پس باید قدری هم رعایت حال مستخدمین را بنمائیم این اظهاراتی را که شاهزاده سلیمان میرزا فرمودند البته صحیح است ولی بنده اینها را ناشی از خلاف انتظامات اداری میدانم و باید در نظامنامه های اداری این گونه مسائل پیش بینی شده باشد چنانچه در بعضی مواد همین قانون هم پیش بینی شده است

رئیس - مذاکرات کافی است ؟ ( بعضی اظهار کردند کافی است )  
رئیس - پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله قرائت می شود .  
(بمضمون ذیل خوانده شد)  
بنده پیشنهاد می کنم ماده ششم به کمیسیون برگردد و اصلاح نموده ثانیاً به مجلس بیاورند .  
شیخ اسدالله معلاتی نصرت الدوله - اگر آقای مخبر قبول کنند بنده هم پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله را ترجیح میدهم .  
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله توضیح دارند ؟

حاج شیخ اسدالله - هیچ توضیحی بهتر از اختلافات نظر که در این ماده هست نیست این ماده بعقیده بنده يك ماده خوبی دولت مستعفی شد خارج شدن با مستعفی شدن يك معنی را ندارد استعفا يك امر رسمی است و خارج شدن اینطور نیست . زیرا ممکن است من از اداره خارج شوم و مخصوصاً هم استعفا ندم پس خارج شدن از اداره مستلزم استعفا دادن نیست اگر خارج شدن يك نفری از اداره بدون سابقه و ترتیب و مجوز قانونی یا برای هوی و هوس شخصی و بدی آب و هوا باشد این خلاف

قانون و نظام اداری خواهد بود و مرتباً متخلف بشمار رفته و باید مجازات شود ولی اگر با ذکر دلایل موجهی باشد و مجبور شود يك سال یا دوسال از کار اداره خارج شود و ببیند بی حقوق هم باو اجازه ندهند و از آن طرف حوادث و پیش آمد هائی هم رفتن او را الزام میکنند این را نمی شود در تحت يك مجازات و شرایطی قرارداد و خوب است آقای معین قبول کنند که این ماده برگردد بکمیسیون و اصلاح شود و اگر قبول نکنند بنده کلاً شخصاً رأی نخواهم داد .  
مخبر - بنده گمان می کنم آقایان اشتباه کردند از خدمت وزارتخانه خارج شدن غیر از استعفاست ؟ یعنی چه يك نفری امروز استعفا می کند و از اداره خارج می شود فردا برمی گردد و می خواهد با عیان رتبه داخل اداره شود پس او اول استعفا داده و حالا می خواهد دو مرتبه کار خود را اشغال کند این يك قرارداد و بمنزله يك کفالتی است که بین دولت و اشخاص معینی منعقد می شود بنده هم تصدیق می کنم و البته مستخدمی هم که خدمت دولتی را عهده دار می شود با سابقه باین قانون است ولی ما نباید مسئله را باقصری درجه برسانیم و اگر بخواهیم این قانون را مثل کفالت بین دو نفر فرض کنیم و همان مراتب و حقوقات را قائل بشویم خلاف اصول مسلمه حقوقی خواهد بود .

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه نشد . پیشنهاد آقای حائری زاده قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)  
حائری زاده پیشنهاد می کند جمله ذیل ضمیمه ماده شش گردد علاوه بمنوان عضو مبدئی يكسال اقلاً باید بخدمت دولتی اشتغال ورزد .

رئیس - پیشنهاد آقای وکیل الملك قرائت می شود .

(بمضمون ذیل خوانده شد)  
پیشنهاد می کنیم باده شش بعد از کلمه ( میل و ازاده خود ) جمله بدون ملر اضافه شود و وکیل الملك

رئیس - آقای حائری زاده ( اجازه )

حائری زاده - من يك درجه تنزل را کافی نمی دانم باید يكسال خدمت مجانی هم بر آن علاوه شود زیرا غالب این استعفا ها برای ترفیع این رتبه و مقام است مثلاً فلان شخص که نایب الحکومه يك مجلسی است از شغل خود استعفا می دهد برای اینکه وکیل شود و در نتیجه حاکم و والی بشود پس بنده عقیده دارم هر کسی از شغل خود استعفا می دهد علاوه بر اینکه باید تنزل رتبه پیدا کند يكسال هم باید بطور عضو مبدئی مجانی خدمت کند .

نصرت الدوله - بنده این پیشنهاد خودم را که بمناسبت پیشنهاد آقای حاج شیخ اسدالله از آن صرف نظر کردم مجدداً پیشنهاد می کنم و اگر اجازه بفرمائید توضیح هم عرض می کنم

رئیس - دومرتبه نمی شود توضیح داد . رأی می گیریم پیشنهاد آقای نصرت الدوله آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)  
رئیس - قابل توجه نشد . آقای وکیل الملك .

( اجازه )

وکیل الملك - مذاکرات زیادی در اطراف این ماده در جریان است و آقایان در کدام يك دلیل بیانی می فرمایند حضرت والا شاهزاده نصرت الدوله يك بیانات مفصلي فرمودند که بنده را هم با خود همراه فرمودند از آن طرف آقای مخبر هم يك فرمایشاتی فرمودند و اظهار داشتند اگر مستخدمی برای صرفه شخصی خارج بشود و کار اداره را نلنگ و معطل بگذارد باید مجازات بشود . بنده این قسمت از فرمایشات ایشان را تصدیق دارم ولی از آن طرف هم باید ملاحظه کرد که اگر کسی خود یا یکی از بستگانش ناخوش شد و مجبور شد برای معالجه با اروپا برود و يك یادو سالی برای معالجه خود اقامت نماید و ناچار باشد عیال و فرزند یا برادر خود را هم همراه ببرد

در چه موقع چنین شخصی چه باید بکند ؟ اگر اداره اجازه مسافرت باو نداد البته ناچار است برای معالجه بدون اجازه ما نرت کند وقتی که برمی گردد گناه او چیست که با تنزل رتبه باید قبول بشود ؟ پس برای رعایت حال مستخدمین بنده پیشنهاد کرده ام کلمه بدون هذر ضمیمه شود

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای وکیل الملك آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(عده قبلی قیام نمودند)

رئیس - تصویب نشد بقیه پیشنهاد ها می ماند برای بعد از تنفس در موقع تنفس اگر آقایان مایل باشند کمیسیونها را انتخاب بفرمایند ( در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیم ساعت مجدداً تشکیل گردید )

رئیس - پیشنهاد آقای آصف الملك قرائت میشود .

(بشرح ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می کنم بعد از خدمت وزارت خانه کلمه ( با ادارات دولتی مواضاه شود )

رئیس - آقای آصف الملك ( اجازه )

آصف الملك - چون در عبارات قبل همه جا وزارت خانه و ادارات دولتی نوشته شده . بنده تصور می کنم این جا هم عبارات ادارات دولتی را لازم دارد برای اینکه شامل آنها هم بشود

مخبر - قبول می کنم نوشته شود وزارت خانه و ادارات دولتی

رئیس - پیشنهاد آقای اقبال السلطان قرائت می شود .

(بمضمون ذیل قرائت شد)  
بنده پیشنهاد می کنم باخر ماده (۶) اضافه شود که قبول عضو مبدئی در صورتی که از برای آن جایی که در وزارت خانه مستخدم بوده یا در وزارتخانه دیگر باشد

رئیس - آقای اقبال السلطان ( اجازه )

اقبال السلطان - این ماده شش يك ماده ایست که از هوی و هوس اجزائی که يك وقت بخدمت کردن مایل هستند و يكوقت مایل نیستند جلوگیری می کند و بعضی آقایان که تصور میکنند برای آن عضوی که بواسطه پیش آمده از کار کناره میکند محلی باید باشد در این قبیل موارد مستخدم برئیس اداره مراجعه میکند اگر حق مجازات بشود . بنده این قسمت از فرمایشات ایشان را تصدیق دارم ولی از آن طرف هم باید ملاحظه کرد که اگر کسی خود یا یکی از بستگانش ناخوش شد و مجبور شد برای معالجه با اروپا برود و يك یادو سالی برای معالجه خود اقامت نماید و ناچار باشد عیال و فرزند یا برادر خود را هم همراه ببرد

بود که اداره مجبور خواهد بود دیگری را بجای او انتخاب کند که کار او را انجام دهد و وقتی که شخص مستعفی برگردد جایی برای او باقی نخواهد بود و این ماده که نوشته شده است بوزارت خانه حق میدهد که او را بخدمت قبول کند و اگر احتیاج هم باو نداشته باشد بواسطه این ماده مجبور میشوند او را قبول کنند این است که بنده پیشنهاد کرده ام در صورت داشتن احتیاج باو داشتن جا او را بپذیرند نه این که بدون جهت او را قبول کنند و در نتیجه مجبور شوند هم يك مواجبی باو بدهند و هم يك مواجبی بکسی که بجای او آمده است داده شود

مخبر - گمان میکنم اشتباه کرده اند وزارتخانه نه این شخص را و نه هیچ کس را بدون حاجت نمیتواند بپذیرد

رئیس - رأی میگیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای اقبال السلطان آقایانی که پیشنهاد ایشان را قابل توجه می دانند قیام فرمایند .

(کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد ( پیشنهاد دیگری از طرف آقای امیر ناصر بشرح ذیل قرائت شد )

تبصره - هر گاه مستخدمی با بیان هذر موجهی و در مدت معینی از خدمت مستعفی شود پس از آن بخواهد مقام اولیه خود را معزز نماید با همان رتبه و درجه پذیرفته خواهد شد

رئیس - آقای امیر ناصر ( اجازه )

امیر ناصر - با مشکلاتی که آقایان مخالفین در این ماده بیان فرمودند و نظر باینکه در ماده پنج در ذیل تبصره حق داده شد که اگر يك مستخدمی مستعفی شد و وزارت خانه خواست مجدداً او را بپذیرد میتواند با همان رتبه اولیه او را قبول کند

بنده پیشنهاد کرده ام که اگر باعذر موجهی استعفاء داد میتواند مقام خود را حفظ کند و این پیشنهاد جمع بین نظریات آقایان مخالفین و موافقین خواهد بود و اگر آقای مخبر این پیشنهاد را قبول بفرمایند رفع مشکلات خواهد شد

مخبر - گمان میکنم آقایان اشتباه فرموده اند اگر کسی عذری پیدا کرد و عذرش موجه بود مثلاً ناخوش شد او که از وزارت خانه خارج نیست فقط يك یادوماه برای معالجه خود از اداره خارج میشود و اگر کسی عذر دائمی پیدا کند مثلاً مرض مزمنی داشته باشد یا زمین گیر و فلج شود برای او هم يك حقوق معینی برقرار می شود و خارج از وزارت خانه خواهد بود

رئیس - رأی می گیریم به پیشنهاد آقای امیر ناصر آقایانیکه قابل توجه می دانند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - قابل توجه نشد پیشنهاد آقای داور قرائت میشود ( بشرح ذیل قرائت شد )  
بنده پیشنهاد می کنم ماده (۶) به ترتیب ذیل شوهته شود  
مستخدمین مستعفی نمی توانند مجدداً وارد خدمت بشوند مگر يك درجه پایین تر از رتبه خود که در حین خروج از خدمت داشته اند .

رئیس - آقای داور ( اجازه )

داور - با مذاکرات مفصلي که آقایان در اطراف این ماده فرمودند و بیانات مشروحی که آقای مخبر در این موضوع ایراد کردند گمان نمیکنم خیلی توضیح لازم داشته باشد .

اداره يك اشخاصی را موافق قرارداد داخل خدمت می کند و از آنها انجام يك وظایفی را می خواهد و ضمناً از آنها خواستار است که مصالح اداری را بر منافع و مصالح شخصی خود ترجیح بدهند و هر روز برای منافع خود کار اداره را نلنگ نکنند و خارج بشوند و البته اداره بمستخدمی که خارج نشود باید بفهماند که برای او مجازاتی است ولی عبارت این ماده مبهم است زیرا

می گوید : مستخدمیکه بپیل خود خارج میشود در صورتیکه خارج شدن دو قسم است يك قسم اینکه ممکن است بدون استعفا و خبر خارج بشود و يك قسم دیگر اینکه استعفا مرتب بدهد و خارج شود

بنده نظر باینکه این ماده را نه مفهوم میدانم لذا دست بالای ماده پیشنهادی کمیسیون را گرفته و عقیده دارم و پیشنهاد هم کرده ام که حتی کسی هم که استعفا مرتب بدهد و خارج شود .

اگر بعد از مدتی که دوباره مصالحش اقتضا کرد و خواست مجدداً بکار خود معاودت کند نمی تواند داخل خدمت شود مگر يك درجه پایین تر که در حین خروج از خدمت داشته است .

مخبر - کسی که از وزارت خانه خارج می شود دو صورت دارد یا اینکه بپیل و اراده خودش از کار خارج می شود یا اینکه محکوم شده و اخراجش می کنند بنده آن کسی را که بپیل و اراده خودش بدون اجازه و خبر برای سیاحت فرنگستان یا تفریح از کار خارج میشود خیلی بدتر میدانم و عقیده دارم که اولاً نباید باو اهتتا کرد اما آن کسی که استعفا کرده و بپیل خود خارج می شود باید رتبه اش را تنزل بدهند .

رئیس - رأی می گیریم بقبول توجه بودن پیشنهاد آقای داور آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند (کسی قیام نکرد)

رئیس - تصویب نشد . رأی میگیریم

بماده ششم ( ۶ ) با اضافه ادارات دولتی پس از وزارتخانه آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند .

( اکثر نمایندگان قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد . ماده هفتم قرائت می شود

( بمضمون ذیل قرائت شد )  
ماده هفتم : کسانی که داخل خدمت رسمی می شوند باید بر طبق مراسم مذهبی قسم یاد کنند که بمملکت و ملت و اصول حکومت ملی خیانت ننموده در پیشرفت صلاح و صرفه مملکت و ملت ساهی باشند و قوانین و نظامات مربوط بمشاغل خود را کاملاً رعایت کنند .

رئیس - رأی می گیریم بماده . . .  
سلیمان میرزا - بنده توضیحی دارم  
رئیس - بفرمائید .

سلیمان میرزا - در این ماده ساهی باشند نوشته شده در صورتیکه ساهی باشد صحیح است .

رئیس - رأی می گیریم بماده هفتم با این اصلاح آقایانیکه تصویب می کنند قیام فرمایند .

( اغلب قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد . ماده هشتم قرائت می شود .

( بمضمون ذیل قرائت شد )  
ماده هشتم - مستخدمین باید در حدود قوانین موضوعه و نظامات مقرر احکام و اوامر روسای مافوق خود را اطاعت نمایند اعمال نظریات سیاسی در امور اداری و تجار به تبلیغات بر ضد مذهب رسمی مملکت و یابر علیه حکومت ملی بکلی ممنوع و موجب انفصال است .

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
حاج سید محمد باقر دست غیب - این ماده بسیار خوب ماده ایست مگر یک کلمه و آن لفظ تجاهر است چون لفظ تجاهر تبلیغات سری را درست نمی رساند لهذا یا باید تبلیغات سری و علنی هر دو نوشته شود و یا لفظ تجاهر زده شود .

مخبر - لفظ تجاهر از این بابت نوشته شده چون تبلیغات سری چیزی نیست که کسی بداند ممکن است بگوید فلان کس در گوش من یک چیزی گفت البته آنرا نمی شود مأخذ قرار داد آقای کسی که تبلیغات علنی می کند البته باید تعقیب شود  
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )  
حاج شیخ اسدالله - بنده مخالفم  
رئیس - بفرمائید

حاج شیخ اسدالله - البته تبلیغات سری و علنی بر ضد مذهب ممنوع است ولی لفظ تجاهر این را می رساند که اگر تجاهر نداشته باشد و تبلیغات بکنند ممنوع نیست زیرا

لفظ تجاهر يك اصطلاحی است که امروزه متداول است یعنی که چسور باشد این است که بنده با این لفظ کاملاً مخالفم . و عقیده دارم که اگر کشف شود کسی تبلیغات سری هم می کند باید او را هم از اداره خارج نمود .

حالا می فرمائید اگر یکی بگوش کسی تبلیغ کرد چه طور می شود او را مجازات کرد؟ این صحیح است اما اگر سرآ و علناً مرتکب همچو کاری شد باید مجازات شود . زیرا کار اداری و سایر مسائل را باید تفکیک کرد و بعضی در امورات دیانتی خارج از مسائل و تکالیف اداری است این است که بنده پیشنهاد می کنم عبارت سری هم اضافه می شود

مخبر - عقیده بنده هم این است که لفظ تجاهر برداشته شود و تبلیغات بر ضد مذهب نوشته شود .

رئیس - لفظ تجاهر را حذف کردید؟  
مخبر - بلی - عرض کردم خوب است لفظ تجاهر برداشته شود و تبلیغات بر ضد دیانت نوشته شود

رئیس - کسی با این ترتیب مخالف نیست؟  
آقای مساوات ( اجازه )

مساوات - گمانم این است که مقصود از این عبارت این بوده تجاهر به فسق و تبلیغات بر ضد مذهب و عقیده ام این است که اگر عبارت این طور نوشته شود بهتر است

رئیس - رأی می گیریم بماده هشتم آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند اکثر قیام نمودند

رئیس - تصویب شد . ماده نهم قرائت می شود .

( بشرح ذیل خوانده شد )  
ماده نهم - هیچیک از مستخدمین نمی توانند احکامات مافوق خود را که برخلاف قوانین موضوعه باشد اجرا نمایند مگر اینکه مقام مافوق مسئولیت آنرا کتباً عهده دار شود

رئیس - آقای گروسی ( اجازه )  
حاج شیخ محمد حسن گروسی - بنده این جمله اخیر را مگر این که مقام مافوق مسئولیت آنرا کتباً عهده دار شود زاید می دانم برای اینکه بوسیله این عبارت ضمناً اجازه داده می شود به مافوق که کاری برخلاف قانون بنماید قوانین موضوعه هیچ وجه احکامی صادر نشود و اینکه آنجا نوشته شده مثل يك اجازه ضمنی است که بمافوق داده می شود که برخلاف قانون حکمی بکنند در صورتی که اهم از مافوق یا مادون مطلقاً حق ندارند برخلاف قوانین احکامی صادر نمایند این است که بنده این عبارت را

صحیح نمی دانم و باید حذف شود  
مخبر - معنی این عبارت این نیست که مافوق می تواند برخلاف قانون حکمی یا امری کند چون در ماده قبل گفتیم که مستخدمین باید در تحت اوامر مافوق خود باشند این عبارت را که اینجا نوشته ایم برای این است که اگر فرضاً مافوق برخلاف قانون حکمی کرد او مسئول باشد و چون در این مواقع مادون دچار ابتلاهی شود از یکطرف باید اوامر مافوق خود را اجرا کند و از یکطرف هم بعنوان اینکه این حکم برخلاف قانون است می تواند یا او جنک و جدال نماید مثلاً مافوق می گوید برو فلان شخص را بگیر و مسئولیت این خلاف قانون بهمه من خواهد بود . آنوقت در صورتی که کتباً تقبل این مسئولیت را بکنند دیگر بر مادون بحثی نیست .

رئیس - آقای نصرت الدوله ( اجازه )  
نصرت الدوله - موافقم  
رئیس - آقای نظام الدوله ( اجازه )  
نظام الدوله - موافقم  
رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
حاج سید محمد دست غیب - موافقم  
رئیس - آقای سهام السلطان ( اجازه )  
سهام السلطان - موافقم  
رئیس - آقای حاج شیخ اسدالله ( اجازه )  
حاج شیخ اسدالله - موافقم  
رئیس - آقای حاجری زاده ( اجازه )  
حاجری زاده - اگر قانون مها که وزیر راه به مجلس آمده بود بنده با این ماده موافق بودم ولی چون وزیر هنوز مجازاتی برای خودشان تصور نمی کنند و یک احکامی برخلاف قانون صادر می کنند لذا ما نمی توانیم اجازه بدهیم مأمورین احکام مافوق خود را که برخلاف قانونی باشد اجرا نمایند و اگر این طور باشد آنها هم شریک در مظالم مافوق خود خواهند بود این است که بنده عقیده دارم این ماده حذف شود

مخبر - آقای شما یکطرف را فکرمی کنید خوب است این سرش را هم فکرم بفرمائید اگر شما معتقد هستید که وزیر خلاف قانون می کند وقتی امر کرد برو فلان خلاف قانون را بکن اگر فرضاً مادون آن حکم را اجرا نکند که فوری خود او را منفسل می کند آنوقت در واقع خلاف قانون را مرتکب شده است

رئیس - رأی می گیریم بماده نهم . . .  
حاج شیخ محمد گروسی - بنده پیشنهادی داشتم .  
رئیس - بفرستید ( پیشنهاد مزبور تقدیم و بشرح ذیل

قرائت شد )  
بنده پیشنهاد می کنم جمله مگر اینکه مقام مافوق مسئولیت آنرا کتباً عهده دار شود از ماده ۹ حذف شود .  
حاج شیخ محمد حسن ( اجازه )  
حاج شیخ محمد حسن - عرض بنده فی الحقیقه اعاده دادن مطلب سابق است اگر عملیاتی برخلاف قانون باشد قابل مذاکره نیست و ما نباید در قانون در این باب چیزی درج کنیم البته مجری معذور است و باید اجرا کند و در این موارد مؤاخذ و مسئول شخص مافوق است  
ما نباید اصلاً بمافوق اجازه صدور حکم برخلاف قانون را نمی دهیم زیرا اگر بخواهد سند کتبی هم ندهد مادون نمی تواند ترمز کند زیرا اگر ترمز کند بهر وسیله باشد او را خارج می کند پس يك امر غیر قانونی را بجز در نوشتن نباید اجازه داد بنا بر این بنده این ماده را زاید می دانم و عقیده دارم حذف شود

رئیس - رأی می گیریم به قابل توجه بودن پیشنهاد آقای گروسی . آقایانی که قابل توجه می دانند قیام فرمایند ( عده قلیلی قیام نمودند )  
رئیس - تصویب نشد . رأی می گیریم بخود ماده . . .  
نصرت الدوله اجازه می فرمائید از آقای مخبر توضیح بخواهم  
رئیس - بفرمائید  
نصرت الدوله - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

رئیس - آقای دست غیب ( اجازه )  
دست غیب - بنده خواستم از آقای مخبر توضیح بخواهم که آیا این قانون کشوری شامل حال پلیس تأمینات هم می شود یا نه؟ برای اینکه اگر آژانها و پلیس تأمینات را هم جزو مأمورین کشوری قائل شویم آنها هم حق خواهند داشت که در موقع خود نوشته کتبی از آنها بگیرند ولی اگر آنها را مستثنی بداریم که مسئله دیگری است

مخبر - آژانها و مأمورین نظامی بکلی از این قانون خارجند و قانون هلیجده دارند .  
رئیس آقای سلیمان میرزا ( اجازه )  
سلیمان میرزا - این توضیحی را که آقای مخبر دادند گمان می کنم عقیده شخصی خودشان بود . اداره نظمی و امنیه در صورتی که جزو وزارت داخله محسوب شوند البته مشمول این قانون خواهد بود و این مسئله بهیچوجه محل اشکال نیست و مادامی که نظمی جزو تشکیلات وزارت داخله است البته او هم مشمول قانون کشوری است و همه آقایان بهتر از بنده مستحضرنند که نظمی باید جزو تشکیلات بلدی باشد زیرا مأمورین نظمی برای امنیت شهر به خصوص استخدام می شوند و مخارج آنرا هم همان شهر بخصوس باید بدهد و از

عایدات نقاط دیگر مملکت نباید صرف مخارج امنیت تهران شوند و البته وقتی که مستشار وارد شد خود او کاملاً این مسئله را رعایت نموده و نظمی را جزو اداره بلدی محسوب خواهد داشت . این قانون شامل حال آنها هم می شود . و چون اجرائیات برخلاف قانون اساسی توسط نظمی صورت می گیرد لذا نمی توان او را از این ماده مستثنی فرض کرد و اگر آنرا از این قانون خارج بدانیم اولاً مثل این است که قانون ننوشته ایم و در صورتی که نظمی برخلاف قانون بمأمورین حکم کند آنها نباید قبول کنند .

مخبر - بنده عقیده من شاهزاده اشتباه کرده اند برای اینکه افراد نظمی داخل درجات این قانون نیستند و اگر بنا باشد این قانون شامل حال افراد اژان هم بشود باید تصدیق نامه از مدارس متوسطه داشته باشند در صورتی که برای اژان این تحصیلات لازم نیست و فقط باید يك سواد مختصری داشته باشد آنها داخل در مستخدمین کشوری نیستند هم چنین زاندارها و نظامیان و آن ماهر کدام قانون علیحده دارند چون این مراتبی که در قانون از قبیل ثبات و منشی و رئیس شعبه ذکر شده شامل حال آنها نیست و آنها يك فسون کوچکی هستند که برای داخله شهرها تشکیل می شود همین طور زاندارم که برای تأمین خارج از شهر ها معین می شوند باین مناسبت نمی توان آنها را مشمول این قانون دانست

رئیس - رأی می گیریم بماده نهم آقایانی که ماده نهم را تصویب می کنند قیام فرمایند . ( اغلب قیام نمودند )  
رئیس - تصویب شد . بقیه مذاکرات می ماند برای روز ۳ شنبه دوساعت بغروب مانده .  
( مجلس دوساعت و نیم از شب گذشته ختم شد )

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .

رئیس مجلس مؤتمن الملک ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی ( اجازه )  
حاج میرزا مرتضی - بنده بواسطه کسالت چهار روز اجازه خواسته بودم و بتمام ریاست هم هر بیضه عرض کرده بودم کمیونهم تصویب کرده ولی در صورت مجلس بنده را غایب بی اجازه نوشته اند باین حال صحیحاً که قدری حال خوب بوده برای کمیسیون حاضر می شوم .